



مقایسه ویژگیهای تولیدکنندگان محصولات سالم و متعارف در استان خوزستان

فروغ علیقلی^۱، عبدالعظیم آجیلی^۲، مسعود یزدان پناه^۳، معصومه فروزانی^۴

چکیده

امروزه نیاز به حفظ عملکرد بالای کشاورزی و نگرانی در رابطه با تولید مواد غذایی سالم، باعث افزایش علاقه به اتخاذ سیاست های مناسب تر و روش های مدیریتی بهتر برای دستیابی به کشاورزی پایدار شده است. کشاورزی ارگانیک یک راه حل توصیه شده توسط بسیاری از محققان می باشد. زیرا این نوع کشاورزی از مزایای مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی برخوردار است. برای انتقال از کشاورزی متعارف به ارگانیک، پذیرش کشاورزی ارگانیک توسط تولید کنندگان بسیار مهم است و از آنجا که عوامل مختلف فردی و اجتماعی بر رفتار پذیرش کشاورزان تاثیر می گذارد، بنابراین ویژگی های تولید کنندگان محصولات ارگانیک با تولید کنندگان محصولات متعارف متفاوت خواهد بود که شناخت این ویژگی ها، می تواند در برنامه ریزی جذب کشاورزان به پذیرش کشت محصولات ارگانیک بسیار موثر باشد. بنابراین هدف این مقاله، مقایسه ویژگیهای تولیدکنندگان محصولات سالم و متعارف بین سبزی و صیفی کاران استان خوزستان است. مطالعه به روش توصیفی - پیمایشی و با استفاده از روش نمونه گیری طبقه بندی تصادفی غیر سهمیه ای انجام گرفت. اطلاعات مورد نیاز از ۱۷۰ نفر پذیرنده کشت محصول سالم و ۱۷۰ نفر نپذیرنده، بوسیله پرسشنامه جمع آوری شد. نتایج نشان داد بین پذیرندگان و نپذیرندگان، از نظر؛ سن، سابقه کشاورزی، سطح سواد، استفاده از منابع اطلاعاتی و دفعات مراجعه به مروج تفاوت آماری معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. همچنین پذیرندگان کشت محصول سالم، نگرش مطلوب تری نسبت به کاربرد کمتر نهاده های شیمیایی دارند و میزان آگاهی آنها از معایب کشاورزی متعارف نیز بیشتر است.

واژگان کلیدی: پذیرش، محصولات سالم، کشاورزی ارگانیک

^۱ کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز

^۲ دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز

^۳ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز

^۴ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز



مقدمه

کشاورزی برای بقای بشر و توسعه اجتماعی ضروری است. رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی باعث ایجاد فشار قابل توجهی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی شده است. این به نوبه خود موجب آلودگی و تخریب محیط زیست شده است تا آنجا که پایداری کشاورزی دچار مشکل شده است (Hosseini & Ajoudani, ۲۰۱۲). راه حلی که برای این مشکل ارائه شده است این است که کشاورزان روش کشاورزی خود را تغییر بدهند به طوری که بتواند سطح تولید خود را تقویت کنند و به آنها اجازه ادامه زندگی بر روی زمین را بدهند (Sarismur & Kilic, ۲۰۱۱).

یکی از جنبه های کشاورزی پایدار، تلاش بسیاری از دولت ها برای پذیرش کشاورزی ارگانیک توسط کشاورزان می باشد، تا ضمن کاهش میزان استفاده از نهاده های شیمیایی در بخش کشاورزی، تخریب منابع طبیعی نیز کنترل شود (Hosseini & Ajoudani, ۲۰۱۲). کشاورزی ارگانیک مزایای طولانی مدت برای انسان و محیط زیست فراهم می کند از جمله: افزایش حاصلخیزی خاک، کنترل آفات و بیماری بدون آسیب رساندن به محیط زیست، حصول اطمینان از کیفیت منابع آب، صرف پول کمتر برای خرید نهاده خارجی مزرعه و البته، تولید مواد غذایی مغذی با کیفیت بالا (Yazdanpanah & Forouzani, ۲۰۱۵؛ Muller, ۲۰۰۹؛ Wheeler, ۲۰۰۸). پذیرش کشاورزی ارگانیک به عنوان یک نوآوری مانند سایر نوآوری ها به طیف وسیعی از عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وابسته است (Pannell *et al.*, ۲۰۰۶). طبق مطالعات صورت گرفته، عوامل بسیاری بر پذیرش یک نوآوری از جمله کشت محصولات سالم و ارگانیک اثر می گذارند. که برخی از این موارد طبق مطالعات گذشته در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- برخی عوامل موثر بر پذیرش نوآوری طبق مطالعات گذشته

متغیر مستقل	یافته مطالعاتی	منبع
سن	بین سن و پذیرش نوآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد	ویس و همکاران، ۱۳۸۹؛ کرمی و همکاران، ۱۳۸۵
سابقه کشاورزی	بین سن و پذیرش نوآوری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد	Bonabana, ۲۰۰۲؛ Souza <i>et al.</i> , ۱۹۹۳
میزان تماس با مروج	بین سابقه کشاورزی و پذیرش نوآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد	میر رحیمی و یزدیان، ۱۳۸۶
تعداد افراد خانوار	بین تماس با مروج و پذیرش نوآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد	ساداتی و همکاران، ۱۳۸۸؛ Bonabana, ۲۰۰۲
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	بین تعداد افراد خانوار و پذیرش نوآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد	پزشکی راد و مسائلی، ۱۳۸۱؛ Bonabana, ۲۰۰۲
	بین سن و پذیرش نوآوری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد	L apple & Rensburg, ۲۰۱۱؛ کرمی و همکاران، ۱۳۸۵



از آنجا که ایران کشوری است که در آن بخش کشاورزی، به شدت وابسته به مصرف نهاده های شیمیایی است (Yazdanpanah & Forouzani, ۲۰۱۵) و کشاورزان نسبت به پذیرش کشت محصولات سالم، اغلب مقاومت نشان می دهند (به طور مثال : با توجه به آمارنامه سال ۱۳۸۹ در استان خوزستان، از ۲۰۰ هزار نفر بهره بردار، فقط ۶۰۰ نفر به کشت محصولات سالم روی آورده اند). لازم است برای افزایش پذیرش کشت این نوع محصولات، تحقیقات اساسی راجع به مسائل مختلف مربوط به آن، از جمله عوامل موثر بر پذیرش کشت محصولات سالم صورت گیرد. تا از تجزیه و تحلیل تحقیقات مربوطه، بتوان به دلایل عدم پذیرش کشاورزان نسبت به کشت این نوع محصولات پی برد. و با شناخت مشکلات آنها، در جهت افزایش پذیرش کشت محصولات سالم برنامه ریزی کرد. در واقع این تحقیق به دنبال جواب دادن به این سوال اساسی است، که چه عواملی بر پذیرش کشت محصولات سالم توسط کشاورزان موثرند؟

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیق پیمایشی _ توصیفی می باشد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری طبقه بندی تصادفی غیر سهمیه ای استفاده شده است. بنابراین در اولین مرحله شهر هایی که در استان خوزستان، به کشت سبزی و صیفی سالم می پرداختند بر اساس نرخ پذیرش، به ۳ طبقه با نرخ پذیرش بالا، متوسط و ضعیف تقسیم شدند (جدول ۱) و از هر طبقه به طور تصادفی ۲ شهر انتخاب شد (شوش، دزفول، گتوند، اندیمشک، رامهرمز و اهواز). حجم نمونه ۳۴۰ نفر می باشد. بر اساس فرمول کوکران از کل جامعه آماری سبزی و صیفی کاران استان خوزستان (۴۰۰ نفر پذیرنده)، ۱۷۰ نفر از پذیرندگان و معادل آن ۱۷۰ نفر از نپذیرندگان انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های این پژوهش از ابزار پرسشنامه، استفاده شد. برای تعیین روایی نیز پرسشنامه در اختیار اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان قرار گرفت و پس از در نظر گرفتن نظرات آن ها، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه، یک نمونه ۳۰ نفری خارج از نمونه اصلی انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع و نظرات جمع آوری گردید و تغییرات لازم در پرسشنامه داده شده است.

یافته ها و بحث

بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش، مشخص شد در بین پذیرندگان کشت محصول سالم، اکثریت پاسخگویان در رده سنی کمتر از ۴۰ سال، دارای سطح تحصیلات دیپلم، بعد خانوار ۴-۵ نفر و دارای سابقه کشاورزی ۲۰-۱۰ سال می باشند. علاوه بر این، اکثریت افراد در این گروه، بین ۱۰ تا ۲۰ دفعه در سال به مروج مراجعه می کنند. در حالی که در بین نپذیرندگان کشت محصول سالم، اکثریت پاسخگویان در رده سنی بالای ۵۰ سال، سطح تحصیلات ابتدایی، بعد خانوار ۱۵-۶ نفر و دارای سابقه کشاورزی بیشتر از ۳۰ سال می باشند. اکثریت افراد در این گروه نیز، کمتر از ۱۰ دفعه در سال به مروج مراجعه می کنند.

به منظور مقایسه میانگین متغیرهای (سن، تعداد افراد خانواده، سابقه کشاورزی، تعداد دفعات مراجعه به مروج، استفاده از منابع اطلاعاتی، دانش درباره محصولات سالم، آگاهی از معایب کشاورزی متعارف و نگرش نسبت به کاربرد کمتر نهاده های شیمیایی) در بین کشاورزان پذیرنده و نپذیرنده کشت محصولات سالم، اقدام به آزمون t مستقل گردید. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲، بین پذیرندگان و نپذیرندگان کشت محصول سالم، از لحاظ سن، اختلاف آماری معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که نپذیرندگان کشت محصول سالم (میانگین: ۴۹) نسبت به پذیرندگان (میانگین: ۴۲)، مسن تر هستند و این اختلاف معنا دار است. همچنین، بین تعداد افراد خانوار پذیرندگان و نپذیرندگان کشت محصول سالم، نیز اختلاف معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. تعداد افراد خانوار نپذیرندگان (میانگین: ۶)، نسبت به تعداد افراد خانوار پذیرندگان کشت محصول سالم (میانگین: ۵)، بیشتر است. از نظر سابقه کشاورزی نیز بین دو گروه کشاورزان پذیرنده و نپذیرنده اختلاف معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که می توان نتیجه گرفت که سابقه کشاورزی نپذیرندگان (میانگین: ۲۸)، نسبت به پذیرندگان (میانگین: ۲۱)، بیشتر است. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین تعداد دفعات مراجعه به مروج در بین پذیرندگان و نپذیرندگان کشت محصول سالم، نیز اختلاف آماری معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که پذیرندگان (میانگین: ۱۸)، نسبت به نپذیرندگان کشت محصول سالم (میانگین: ۴)، دفعات بیشتری در طول سال به مروج



مراجعه کرده اند. همچنین نتایج نشان می دهد که بین استفاده از منابع اطلاعاتی پذیرندگان و نپذیرندگان اختلاف آماری معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. با توجه به مقدار میانگین ها، می توان اظهار داشت، که پذیرندگان کشت محصول سالم (میانگین: ۲۴)، نسبت به نپذیرندگان (میانگین: ۱۶)، بیشتر از منابع اطلاعاتی استفاده کرده اند. دو گروه کشاورزان پذیرنده و نپذیرنده کشت محصولات سالم، از لحاظ دانش درباره محصولات سالم نیز با یکدیگر اختلاف معنی داری دارند. به طوری که با مقایسه میانگین ها می توان گفت، میزان دانش پذیرندگان، درباره محصولات سالم (میانگین: ۱۸)، نسبت به نپذیرندگان (میانگین: ۱۳)، بیشتر است. همچنین نتایج نشان داد بین پذیرندگان و نپذیرندگان کشت محصول سالم از لحاظ آگاهی درباره معایب کشاورزی متعارف اختلاف معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که با مقایسه میانگین ها می توان نتیجه گرفت، پذیرندگان (میانگین: ۳۸)، نسبت به نپذیرندگان (میانگین: ۳۲)، آگاهی بیشتری درباره معایب کشاورزی متعارف دارند.

جدول ۲- مقایسه میانگین متغیرهای مدل نشر بین کشاورزان پذیرنده و نپذیرنده کشت محصولات سالم با استفاده از آزمون t مستقل

متغیرها	پذیرنده	نپذیرنده		آماره t	سطح معنی داری
		میانگین	انحراف		
سن	۴۲/۳۵	۴۹/۱۰	۱۲/۶۹	-۵/۴۷۷	** ۰/۰۰۰
تعداد افراد خانوار	۴/۷۵	۵/۵۴	۲/۱۷	-۳/۶۱۹	** ۰/۰۰۰
سابقه کشاورزی	۲۱/۰۴	۲۸/۴۴	۱۴/۶۶	-۵/۰۳۸	** ۰/۰۰۰
تعداد دفعات مراجعه به مروج	۱۷/۶۹	۴/۱۴	۴/۲۲	۱۳/۶۵۶	** ۰/۰۰۰
استفاده از منابع اطلاعاتی	۲۴/۰۴	۱۶/۶۳	۴/۳۴	۱۴/۱۶۹	** ۰/۰۰۰
دانش درباره محصولات سالم	۱۷/۷۶	۱۲/۸۶	۲/۸۱	۱۸/۰۲۹	** ۰/۰۰۰
آگاهی از معایب کشاورزی	۳۸/۳۸	۳۲/۲۰	۶/۹۶	۸/۸۳۱	** ۰/۰۰۰
نگرش نسبت به کاربرد کمتر نهاده های شیمیایی	۱۸/۵۵	۱۶/۷۳	۲/۶۵	۷/۴۳۵	** ۰/۰۰۰
		** معنی داری در سطح ۱٪		NS عدم معنی داری	

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از مقایسه میانگین متغیرهای مدل نشر بین دو گروه پذیرنده و نپذیرنده کشت محصول سالم حاکی از آن است که، نپذیرندگان کشت محصول سالم نسبت به پذیرندگان: دارای سن، تعداد افراد خانوار و سابقه کشاورزی بیشتری هستند. در حالی که پذیرندگان کشت محصولات سالم، از لحاظ میزان دانش درباره کشاورزی ارگانیک و محصولات سالم، میزان آگاهی از معایب کشاورزی متعارف و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، در سطح بالاتری نسبت به نپذیرندگان قرار دارند. همچنین پذیرندگان، نگرش مثبت تری نسبت به کاربرد کمتر نهاده های شیمیایی در مقابل نپذیرندگان داشتند. لازم به ذکر است، این نتایج با یافته های مرادی و همکاران (۱۳۹۰)، لپل و رنس برگ (۲۰۱۱)، بونابنا (۲۰۰۲)، سوزا (۱۹۹۳)، حاجی رحیمی و یزدیان (۱۳۸۶)، ساداتی و همکاران (۱۳۸۸)، مطابقت دارد. و با



نتایج ویس و همکاران (۱۳۸۹) و کرمی و همکاران (۱۳۸۶) مطابقت ندارد. همانطور که از نتایج مشخص گردید متغیرهای دانش و آگاهی کشاورزان درباره محصولات سالم وارگانیک و همچنین میزان نگرش آنها در مورد کاربرد کمتر مواد شیمیایی از عوامل موثر بر پذیرش کشت محصولات سالم به شمار آمده است. بنابراین پیشنهاد می شود جهت افزایش پذیرش کشاورزی ارگانیک در افزایش دانش و نگرش کشاورزان بیشتر سرمایه گذاری گردد. به عبارت دیگر پذیرش نوآوری جدید بدون تغییر در نگرش و بهبود دانش افراد امری غیر ممکن می باشد. در این راستا برگزاری کلاس ها و کارگاههای آموزشی عامل مهمی در این زمینه می باشد. همچنین مشخص گردید متغیر تعداد تماس با مروج و همچنین میزان ارتباط با منابع اطلاعاتی از متغیرهای مهم در پذیرش نوآوری می باشند، بنابراین استفاده از مروجین و منابع اطلاعاتی همچون رسانه های جمعی جهت افزایش دانش و بهبود نگرش کشاورزان در راستای کشاورزی ارگانیک در گسترش آن بسیار مهم و حائز اهمیت می باشد.

منابع

- ۱) پزشکی راد، غ. مسائلی، م. ۱۳۸۱. بررسی عوامل اقتصادی موثر بر پذیرش مبارزه تلفیقی در کنترل کرم ساقه خوار برنج استان اصفهان. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۶، شماره ۴، صص ۶۴-۵۳.
- ۲) ساداتی، ا. شعبانعلی فمی، ح و تقوی نیا، م. ۱۳۸۸. مفاهیم و ویژگی های کشاورزی ارگانیک. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. بخش ترویج و آموزش دانشگاه شیراز.
- ۳) کرمی، ع. رضائی مقدم، ک. ابراهیمی، ح. ۱۳۸۵. پیش بینی پذیرش آبیاری بارانی: مقایسه مدل ها. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۰، شماره اول، صص: ۷۱، -۸۹.
- ۴) ویسی، ه. محمودی، ح. شریفی مقدم، م. ۱۳۸۹. تبیین رفتار کشاورزان در پذیرش فناوریهای مدیریت تلفیقی آفات. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۱، شماره ۴، سال ۱۳۸۹، صص: ۴۹۰-۴۸۱.
- ۵) میر رحیمی، د. یزدیان، ی. ۱۳۸۶. بررسی عوامل مؤثر در میزان پذیرش نوآوری "آزمون خاک" توسط غله کاران. یافته های نوین کشاورزی سال ۲، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۶، صص: ۲۱۴-۲۰۰.
- ۶) Bonabana, J. (۲۰۰۲). Assessing factors affecting adoption of agricultural technologies: the case of integrated pest management (IPM) in Kumi district, Eastern Uganda. *agricultural and applied economics*. Pp: ۲۳-۳۴.
- ۷) Hosseini, J., and Ajoudani, Z. (۲۰۱۲). Affective factors in adopting organic farming in Iran. *Scholars research library annals of biological research*, ۲۰۱۲, ۳ (۱): ۶۰۱-۶۰۸.
- ۸) L apple, D., and Rensburg, T. (۲۰۱۱). Adoption of organic farming: Are there differences between early and late adoption? *Ecological Economics* ۷۰ (۲۰۱۱) ۱۴۰۶-۱۴۱۴.
- ۹) Muller, A., (۲۰۰۹). Benefits of Organic Agriculture as a Climate Change Adaptation and Mitigation Strategy for Developing Countries. Environment for development discussion paper series EfD DP -۰۹. April. Environment for Development Initiative and Resources for the Future, Washington, DC.
- ۱۰) Pannell, D. J.; Marshall, G. R.; Barr, N.; Curtis, A.; Vanclay, F.; Wilkinson, R. (۲۰۰۶). Understanding and promoting adoption of conservation practices by rural landholders. Forthcoming in *Australian Journal of Experimental Agriculture*: ۱-۲۱.
- ۱۱) Sarisamur, F., and Kilic, S. (۲۰۱۱). Potential land use planning and agricultural land suitability. *Journal of Physical Science*, ۱۰, ۲۵۸۶-۲۵۹۲.
- ۱۲) Souza, D. G., Cyphers, D. M., & Phipps, T. (۱۹۹۳). Factors affecting the adoption of sustainable agriculture practices. *Agricultural and Resource Economics*
- ۱۳) Wheeler, S.A., (۲۰۰۸). What influences agricultural professionals' views toward organic agriculture? *Ecol. Econ.* ۶۵ (۱), ۱۴۵-۱۵۴.
- ۱۴) Yazdanpanah, M., and Forouzani, M. (۲۰۱۵). Application of the Theory of Planned Behaviour to predict Iranian students' intention to purchase organic food. *Journal of Cleaner Production*, ۱-۱۱